

بحران انحطاط در جهان اسلام و نقش همگرایی در برون رفت آن از دیدگاه آیت الله محسنی (ره)

سید آصف کاظمی*

چکیده

جهان اسلام در تاریخ معاصر، با بحران‌های متعددی مواجه بوده است که بحران انحطاط جامعه اسلامی، از مهم‌ترین آن‌ها است؛ زیرا بحران‌های دیگر به نحوی به آن برمی‌گردد. در این مقاله بحران انحطاط جامعه اسلامی و راه‌هایی از آن، از دیدگاه آیت الله محسنی (ره) و براساس مدل مفهومی بحران اسپریگنز، با روش تحلیلی-توصیفی بررسی می‌شود تا جوابی به این سؤال اصلی فراهم شود: «بحران انحطاط و راه‌هایی از آن از دیدگاه آیت الله محسنی (ره) چگونه قابل بررسی است». براساس بحران اسپریگنز که چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود، شرایط و مشکل کنونی ما انحطاطی است که ریشه و عوامل آن به استعمار، استبداد، زمامداران نااهل و فساد حاکمان، تن‌پروری مسلمانان، تفرقه، تعصب، افراط‌گرایی و گروه‌های تکفیری، بی‌تفاوتی جامعه، حاکم شدن روابط به جای ضوابط، فاصله گرفتن از فرهنگ دینی، عالمان و اندیشمندان درباری، فراموشی فریضه جهاد، ملی‌گرایی و تعطیلی اجتهاد برمی‌گردد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از منظر آیت الله محسنی (ره)، برای رسیدن به تصویرآرامی که وحدت امت اسلامی است، باید به سمت همگرایی حرکت کنیم؛ اما رسیدن به آن نیازمند تولید فرهنگ همگرایی و پیاده‌سازی آن از طریق احترام به مذاهب و پرهیز از تحریک احساسات، توجه به مشترکات اسلامی، مبارزه با تعصب‌های بی‌جا و جدا ساختن افراط‌گرایان از بدنه جامعه اسلامی، توجه به دشمن مشترک و قطع مداخلات آنان است.

کلید واژه‌ها: انحطاط، استعمار، استبداد، اسلام، وحدت اسلامی، تفرقه، امت اسلامی.

*- دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام و استادیار مدعو مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه

kazemi . asef@gmail . com

مقدمه

جوامع اسلامی بعد از یک دوره اقتدار، از اوج عزت و عظمت فروافتادند و رو به ضعف و انحطاط نهادند. این مسئله در تاریخ معاصر تبدیل به بحران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شد و روشن است که آینده مطلوب جهان اسلام درگروهایی از این وضعیت است. کشورهای اسلامی تنها در شرایطی می‌توانند از انحطاط و عقب ماندگی رهایی یابند که از واگرایی‌ها به سمت همگرایی و وحدت رهنمون شوند. مسئله انحطاط جهان اسلام، از دغدغه‌های اصلی تمامی مصلحان و اندیشمندان معاصر مسلمان است و با مرور اندیشه و مطالعه آثار آیت الله محسنی (ره) (۱۳۱۴-۱۳۹۸) روشن می‌شود که این مهم در آثار ایشان نیز بازتاب خاص و پربسامدی دارد. ایشان به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان جهان اسلام در عصر حاضر، همگرایی و وحدت امت اسلامی را پیشنهاد داده و برای تحقق آن، بسیار قلم زده و تلاش کرده است. در این مقاله وضعیت کنونی جوامع اسلامی، علل و عوامل انحطاط جوامع اسلامی و راه‌های رهایی از این وضعیت را بر اساس دیدگاه ایشان و بر اساس مدل مفهومی بحران اسپریگنز بررسی خواهیم کرد.

۱. مفاهیم و روش تحقیق

قبل از پرداختن به بحران انحطاط جامعه اسلامی و نقش همگرایی در برون رفت از آن، لازم است برخی از مفاهیم کلیدی و روش تحقیق، بررسی و تبیین شود.

۱-۱. انحطاط

انحطاط از ریشه «حطط یا حط» به معنای فرود آمدن و فرود آوردن است (قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۵۲). در فرهنگ فارسی انحطاط به فروافتادن، فرود آمدن، پست شدن و به پستی گراییدن تعریف شده است (معین، ۱۳۸۵، ۱: ۳۷). انحطاط در اصطلاح یعنی افول معیارهای شناخته شده‌ای که یک جامعه؛ شرایط جامعه که در آن ارزش‌ها، رسوم، اعتماد و اطمینان به علت فرسودگی اخلاقی و روحی در حال سقوط و زوال است (آقابخشی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

۱-۲. جهان اسلام

مفهوم جهان اسلام در دهه‌های اخیر رواج یافته است و مرکب از دو واژه جهان و اسلام است که به تدریج در ترکیب‌های گوناگون و با کاربردهای گوناگون به کار رفته است. به مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت در قرن اخیر است، جهان اسلام اطلاق شده است (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۱-۲). آیت‌الله محسنی(ره) در تعریف جهان اسلام می‌نویسد: «هنگامی که می‌خواهیم جهان اسلام را تعریف کنیم، رسمی‌ترین آن، اعضای سازمان کنفرانس اسلامی است که مشتمل بر ۵۴ کشور است» (محسنی(ره)، ۱۳۸۷: ب: ۹۰). ایشان این تعریف را نپذیرفته و می‌نویسد: «اما تمامی این جمعیت نماینده مسلمانان جهان نیست؛ زیرا از یک سواز ۵۴ کشور، در ۱۱ کشور سهم جمعیت مسلمانان آن‌ها کمتر از ۵۰ درصد است و دوم این‌که کشورهایی هستند که یافتن دلیل حضورشان در این سازمان بسیار دشوار است» (همان). ایشان در تعریف دوم می‌گوید: «جهان اسلام می‌تواند کشورهایی باشد که اکثریت جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند» (همان، ۹۲) و در تعریف سوم می‌نویسد:

سومین تعریف عملیاتی از جهان اسلام که واقعی‌ترین تعریف است، تجمع مسلمانان جهان، بدون در نظر گرفتن محل اقامتشان است. امتیاز این تعریف این است که آن دسته از مسلمانانی که اقلیت کشورهای پرجمعیت را تشکیل می‌دهند، نیز شامل می‌شوند (همان، ۹۴).

۱-۳. وحدت و همگرایی امت اسلام

یکی از مفاهیم که باید بررسی شود، وحدت و همگرایی است. در تعریف این مفهوم گفته شده:

وحدت اسلامی یعنی وجود روحیه برادری دینی و همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک اسلامی، اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی، موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود (تسخیری، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

مفهوم همگرایی مفهومی است که گاه به معنای وحدت می‌آید و به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا، ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای آن مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۹۷؛ کاظمی، ۱۳۷۷: ۳).

آیت‌الله محسنی (ره) همگرایی و وحدت اسلامی را به معنای تقریب، این‌گونه تعریف می‌کند:

تقریب یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است و معذور داشتن همدیگر در اختلافات، روی اصل: للمصیب اجران وللمخطیء اجرٌ واحد و برادری و دوستی روی اصل انما المؤمنون اخوه، در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالاخره عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر اهل مذاهب اسلامی» (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۰۳، ۱۰۷). معنای وحدت اسلامی در بعد نظری، همکاری کردن در مشترکات دینی است و در بعد عملی، توهین نکردن به مذهب دیگری، نشکستن غرور طرف و بدگویی نکردن به رهبران مذهبی آن‌ها (همان، ۶۳).

۴-۱. روش بحران اسپریگنز

روش بحران اسپریگنزیکی از روش‌های تحلیل انتقادی فهم اندیشه سیاسی است. این نظریه راه قرائت اندیشه سیاسی را آموزش می‌دهد و به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی قائل است (رک. اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۳۰-۲۲). از دیدگاه وی، هدف نظریه‌های سیاسی، آماده‌سازی بینشی از جامعه سیاسی با نگاه انتقادی به منظور درک و فهم پذیر شدن آن و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه باریشه‌های بی‌نظمی و غلبه بر آن‌ها است. (همان) نظریه بحران چهار مرحله دارد که هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود. در مرحله اول، نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی، که جامعه با آن‌ها درگیر است، آغاز می‌شود. اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل در جامعه است (همان، ۴۳).

از این رو، نظریه پردازان از آغاز بی‌نظمی و بحران اجتماعی شروع می‌کنند و مانند کارآگاهان به دنبال «سرنخ» می‌گردند. پس آنان باید تردید به خویش را توسعه دهند و به دنبال علل اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها بگردند و به این پرسش پاسخ دهند که «چرا جامعه درهم‌ریخته است»؟ مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس آدمی را به غلیان و حرکت وادار کرده و وی را به سمت مرحله دوم (تشخیص علل آن) سوق می‌دهد. تا وقتی علل مشکل مورد سؤال برای انسان روشن نشود، درک واقعی آن عملی نیست و نمی‌تواند پیشنهاد‌های مناسب و کارسازی به‌منظور حل مشکل ارائه دهد. در مرحله بعد، نظریه‌پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی می‌پردازد، آرمان‌شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه‌پرداز برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد، هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز هست (ر.ک. همان، ۱۴۷). نظم سیاسی هنجاری بازسازی شده، ترکیبی از نوآوری و اکتشافات است. هدف این مرحله، ایجاد رابطه‌ای بین شخص و محیط سیاسی است و موفقیت آن طرح بازسازی شده، یعنی قابلیت دوام، درجه عقلایی و حقیقی بودن آن بستگی به نتیجه‌ای دارد که نظریه‌پرداز از مرحله تشخیص علل گرفته است (همان، ۱۴۹ و ۱۷۴). در گام آخر نیز نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان درد یا حل مشکل می‌پردازد (همان، ۱۸۱).

۲. بحران انحطاط و نقش همگرایی در برون‌رفت از آن

چنانکه گذشت، روش جستاری بحران اسپریگنز در چهار مرحله مشاهده و تحلیل وضع موجود، شناسایی علل بی‌نظمی جامعه و ارائه راه‌حل به تصویر کشیده شده و برنامه عملی و درمان تدوین می‌گردد که در این تحقیق تلاش می‌شود چهار مرحله مذکور از دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره) بررسی شود.

۲-۱. مشاهده بی‌نظمی و شناخت بحران انحطاط

اولین مرحله از مراحل چهارگانه روش جستاری اسپریگنز به بررسی وضع موجود و مشاهده بی‌نظمی جامعه اختصاص دارد. برای بررسی این مرحله و اندیشیدن جدی، باید به این پرسش پاسخ دهیم که اکنون چه اتفاقی در جریان است؟ از این رو باید وضعیت امروزی

جهان اسلام بررسی شود که به چه وضعیتی دچار است و بحران کنونی آن چیست؟ بدون درک صحیح از وضعیت کنونی، امکان تأثیرگذاری و کنشگری فعال، در زمان حال و آینده وجود ندارد و حرکت اول برای حل مشکل، فهم مشکل است. ما باید درک کنیم که در چه شرایطی هستیم و مشکلات و چالش‌های ما چیست. وضعیت کنونی و بحرانی جوامع اسلامی مسئله‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. از این رو به صورت اجمالی در پاسخ به پرسش اول اسپریگنز باید گفت که یکی از مهم‌ترین بحران‌های دنیای اسلام، بحران انحطاط است که ریشه بحران‌های دیگر به‌گونه‌ای به همین مسئله برمی‌گردد.

منادی تقریب و فقیه روشن ضمیر آیت‌الله محسنی (ره)، وضعیت کنونی جهان اسلام را در تحلیل و گفتاری بسیار گویا بیان کرده است. ایشان معتقد است وضعیت امروزی به‌راستی آزاردهنده و اسف‌انگیز است. جهل، عصبیت‌های قومی، نژادی و بی‌اعتمادی در بین مسلمانان بیداد می‌کند. به فرموده آیت‌الله محسنی (ره): «وضع امروزی ما واقعاً اسفناک و حتی گریه‌آور است» (محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۱۹۵). ما باهم اختلاف داریم، ولی آیا این اختلاف‌ها باید به دشمنی منجر شود؟ آیا لازم است که جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند؟ در فقه، اختلافات وجود دارد، ولی هرگز باعث تکفیر نمی‌شود (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۲۲). ایشان در ادامه می‌نویسد:

در تمام علوم انسانی، اختلاف نظر میان دانشمندان وجود دارد و همین تفاوت فکری، اختلاف علمی را نیز به دنبال دارد و هیچ‌گاه از زندگانی بشر جدا نخواهد شد. پس چرا اختلافات شیعه و سنی موجب دشمنی و دوری می‌گردد؟ آیا این از وسوسه‌های دشمنان اسلام نیست؟ (همان: ۵۳).

از دیدگاه ایشان در کشورهای اسلامی استبداد، اختناق و زورگویی حکم‌فرما است و آزادی و عدالت وجود ندارد. لذا حکومت‌ها پایگاه مردمی ندارند و فاصله بین توده‌های مردم و طبقات حاکم بسیار زیاد است. قهراً دولتمردان به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند و نتیجه طبیعی آن، این است که اجراء آنان در راستای خواسته‌های خارجی صورت می‌گیرد. این دولت‌ها بهترین کانال‌هایی برای تطبیق افکار الحادی غرب و شرق هستند. امروز جهان اسلام از این راه ضربات سختی متحمل می‌شود که با ادامه وضع موجود، هیچ تحول مثبتی در زندگانی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان رخ نخواهد داد. بلکه

اوضاع رو به وخامت بیشتری می‌گراید و آینده ما تاریک‌تر از گذشته و حاضر سیاه ما به نظر می‌رسد (ر.ک. محسنی(ره)، ۱۳۷۱: ۱۹۶-۱۹۷). ایشان می‌نویسد:

ما در دنیای امروزی آبرو و استقلال واقعی نداریم. در دام استعمار و استثمار قدرت‌های ملحد جهان سقوط کرده‌ایم. منابع خدادادی ما در اختیار ما نیست و همه چیز ما برای دیگران است. زمامداران ما نوکران ابرقدرت‌ها هستند. در کشورهای ما آزادی و عدالت اجتماعی و کرامت انسانی وجود ندارد. ما بی‌خبر از همه چیز به جان هم افتاده‌ایم، اختلافات مذهبی و سیاسی و محلی و کشوری ما از حدود عقلایی خود گذشته است. ما واقعاً ذلیل و زیون شده‌ایم. اسلام از زندگانی ما دور شده است و حتی در بسیاری از کشورها نزدیک است رخت سفر بربندد و از سرحدات و مرزها (نعوذبالله) خارج گردد. (محسنی(ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۲۰) به راستی اگر رابطه مسلمانان دنیا با محبت و صمیمی می‌بود و ما علی‌رغم اختلاف نژاد و زبان و ملیت و مذهب، با هم برادر و خواهر و مهربان می‌بودیم و در برابر همدیگر احساس مسئولیت می‌داشتیم، آیا وضع جهان اسلام از وضع ذلت‌بار امروزی ما به مراتب بهتر نبود؟ (ر.ک. محسنی(ره)، ۱۳۷۴، ۲: ۸۷).

۲-۲. علل بی‌نظمی و بحران انحطاط

مرحله دوم روش بحران اسپریگنز، شناسایی علل بی‌نظمی است و تلاش می‌کند به پاسخ این پرسش برسد که چه چیزی نابسامان است؟ چه عواملی باعث به وجود آمدن وضع موجود و بحران شده است؟ در پاسخ این پرسش‌ها و شناسایی علل بی‌نظمی، عوامل زیادی دخیل است. تشخیص علل نابسامانی و بی‌نظمی، یکی از مهم‌ترین مراحل روش جستاری اسپریگنز است. مرحله تشخیص علل تا حدودی از مشاهده بی‌نظمی نشئت می‌گیرد؛ زیرا مشاهده بی‌نظمی علائم بیماری‌هایی را نشان می‌دهد که علل آن‌ها مطالعه می‌شود. با وجود این، نتایج مرحله تشخیص در ابتدا روشن نیست؛ زیرا صرف مشخص کردن نابسامانی، علل آن را توضیح نمی‌دهد. در این مرحله پاسخ به سؤال‌های زیر که چه چیز نابسامان است؟ علل و علائم درد چیست؟ آیا مشکل ریشه فردی دارد یا اجتماعی؟ علل طبیعی است یا مصنوعی؟ روشن است که شناسایی علل یک درد، برای ارائه درمان آن اهمیت فراوان دارد (ر.ک. اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۴۱). مرحله تشخیص موضوع، مرحله

مشکلی است و همین مرحله می‌تواند سرچشمه جدایی مکاتب مختلف باشد. اسپریگنز به درستی توضیح می‌دهد که نظریه پرداز اگر در این مرحله از جستار خطا کند، به جای سبک کردن بار مشکلات به آن‌ها می‌افزاید. از طرف دیگر، اگر به غلط بعضی مشکلات را که قابل حل نیستند قابل حل تشخیص دهد، پیروان نظریه خود را به دنبال غیرممکن فرستاده است (ر.ک. همان، ۱۳۷۰: ۸۱ و ۹۱).

رویکرد آیت‌الله محسنی (ره) به بحث ضعف و انحطاط تمدن اسلامی به طور عمده برخاسته از شیفتگی و اعتقاد ایشان به اسلام و دفاع از اسلام و آرزوی سربلندی اسلام و مسلمانان است. ایشان در آثار خود به عوامل مختلفی برای انحطاط در جهان اسلام اشاره کرده و این عوامل را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. از میان عوامل مختلف به دو عامل استبداد و استعمار بیش از همه تأکید دارد و می‌نویسد: «اگر از مطالب گذشته نتیجه‌گیری شود، فوراً روشن می‌شود که منشأ همه بدبختی‌های جهان اسلام، دو چیز است؛ یکی استعمار خارجی، دوم خودکامگی و مسلمان نبودن زمامداران» (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۱۶).

۱-۲-۲. عوامل درونی انحطاط

استبداد، زمامداران ناهل و فساد حاکمان: یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط و عقب ماندگی جهان اسلام، استبداد، فساد حاکمان و رفتار آنان است. آیت‌الله محسنی (ره) به این عامل توجه ویژه دارد و می‌نویسد:

سرّ عقب‌مانی مسلمانان در این است که زمامداران آنان به استثنای چند تنی، از دانشمندان با تقوی نبودند. اگر ما علم به احکام و عدالت را در زمامداران خود شرط می‌دانستیم و از به قدرت رسیدن نادانان و فاسقان جلوگیری می‌کردیم، هیچ‌گاه دانشمندان شایسته و صالح از رهبری جامعه کنار نمی‌رفتند و حتی مقابل دولت مردان قرار نمی‌گرفتند. در نتیجه دین از سیاست جدا نمی‌شد و چنانچه اداره کشور در بعد داخلی و خارجی و (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) در چارچوب فقه و اخلاق دینی صورت می‌گرفت، مسلماً تمدن اسلامی تاکنون شکل زندگانی را در سراسر جهان دگرگون می‌نمود (محسنی (ره)، ۱۳۷۴، ۱: ۹).

ایشان در آثار مختلف خود به این عامل اشاره دارد (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۷۱، ب، ۳: ۲۵۲؛ محسنی (ره)، بی‌تا: ۵۴ و ۹۳؛ محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۴۳۹) و با اعتقاد به اینکه فساد حاکمان به جامعه نیز تسری پیدا خواهد کرد، می‌نویسد:

عامل دوم پسمانی مسلمانان، حکومت‌های عیاش و فاسد و خائن بود که دین را از دولت و سیاست آن جدا نمودند، و بدین وسیله اخلاق عمومی ضعیف گردید و جامعه به طرف انحطاط رفت. وقتی زمامداران متدین، نباشند تدین جمعی از مردم تأثیر زیاد نخواهد داشت و آنان (زمامداران) می‌توانند بسیاری از مردم را گمراه و کشور را به نابودی بکشانند. (محسنی (ره)، ۱۳۸۳: ۱۶) گزارش می‌رسد که دولت مصر از قرائت آیاتی که در مذمت یهودیان نازل شده، جلوگیری می‌کند و در عوض سفارش می‌کند آیه مبارکه یا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ و امثال آن را بخوانند. کشور اسلامی عربستان به شدت با حرمت ربا مبارزه می‌کند، ولی تنها در یک مورد استقبال کرده‌اند و آن مبالغ هنگفتی که آنان در بانک‌های آمریکا و اروپا، به عنوان قرض الحسنه نهاده‌اند. بهره نمی‌گیرند و به مردم خود می‌گویند که قرآن ربا را حرام کرده است، ولی در موسم حج، از مسلمانان بیچاره که اکثر آنان به زحمت چند پولی را برای ادای فریضه دینی خود فراهم نموده‌اند، میلیون‌ها ریال را به عنوان خدمات عمومی قهرمانانه اخذ می‌کنند و هیچ آیه را در این مورد به خاطر نمی‌آورند. میلیون‌ها مسلمان از گرسنگی و برهنگی و مرض، رنج می‌برند، ولی میلیاردها دلار قیمت نفت عربستان و کشورهای نفت خیز منطقه در بانک‌های اروپا و آمریکا ذخیره می‌شود و احیاناً در مهمانی‌ها و رقاصه خانه‌ها و فاحشه خانه‌ها و مجلس لهو لعب که عقل و وجدان از آن شرمسارند و دین، لعنت‌کننده آن‌هاست به مصرف می‌رسد (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۲۱-۲۲).

ایشان در ادامه نمونه‌های زیادی از این دست را ذکر می‌کند تا نشان دهد که آنچه گفته ادعا نبوده است. ایشان در یک جمع‌بندی می‌نویسد:

به نظر من امروز مشکل جهان اسلام «فقر» نیست. ما مسلمانان معادن و ذخایر زیرزمینی فراوان و اماکنی با موقعیت استراتژیک عالی و نیروهای انسانی فراوان در اختیار داریم. به نظر من بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام حکومت‌های طاغوتی و یزیدی‌شان است. اکثر دولت‌هایی که ما امروز داریم، یزیدی هستند (محسنی (ره)، ۱۳۴۳: ۲۹) فقیراگر

گدایی کند خیلی جای افسوس نیست، ولی آن کسی که تمام وسایل ثروت و سرمایه داری را در دست دارد و از آن‌ها استفاده نبرده دست سؤال به سوی دیگران دراز می‌کند، خیلی بدبخت و مستحق سرزنش است (محسنی (ره)، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

تن پروری مسلمانان: یکی از عوامل انحطاط جهان اسلام از دید بسیاری از مصلحان اسلامی به ویژه آیت الله محسنی (ره) تن پروری مسلمانان است. ایشان در این باره می‌نویسد: «جهالت به دستورات دینی و تن پروری و ضعف عقیده و خودخواهی و عیاشی مسلمانان خصوصاً زمامداران...». (محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۴۳۸) آیت الله محسنی (ره) بعد از نقل سیره امیرالمؤمنین در رشد و تعالی دادن جامعه می‌نویسد:

ای برادر من! از اقرار به اینکه عقب مانده ایم، هنوز سوراخ دعا را نیافته ایم، به رموز زندگی کردن صحیح واقف نشده ایم و از مزایای اسلامی خود بی بهره و بی اطلاعیم، نباید خجالت بکشیم، ولی راستی شرم آور است که با این منابع سرشار، این برنامه زنده، قوانین جاندار و همه جانبه و دستورات حیات بخش بنشینیم و عرق خجالت بریزیم و ذلت بکشیم. سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد. (محسنی (ره)، ۱۳۸۵: ۱۲۴) همه می‌دانند که راه نجات از مشکلات، علم و عمل است و منشأ بدبختی‌ها جهالت و کسالت و تنبلی. بنابراین باید علم آموخت، آگاهی یافت و آگاهی داد و تلاش و پیکار نمود تا بتوان موج‌های خروشان و طوفان‌های ویرانگر شرقی و غربی و داخلی را عقب زد و به ساحل آرامش نسبی رسید و از مزایای زندگانی آزاد و مستقل و شرافتمندانه (مادی و معنوی) در حد ممکن آن بهره برد (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱۶: ۱۷-۱۶).

تعصب، افراط‌گرایی و گروه‌های تکفیری: یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط جامعه اسلامی از منظر آیت الله محسنی (ره) تعصب‌های بی‌جا، افراط و تفریط و وجود گروه‌های تکفیری است که از مهم‌ترین نتیجه آن به ویژه رفتار و سیاست‌های گروه‌های تکفیری، حضور و سلطه غیرمسلمانان و استکبار در برخی جوامع است. ایشان درباره افراط و تفریط می‌نویسد:

میان افراط و تفریط رابطه مستقیم برقرار است. به هر اندازه که انسان درباره مذهب خود غلو کند، به همان مقدار نسبت به مذاهب دیگر و پیروان آنان تعصب به خرج می‌دهد. متعصبان هم خود باطنی پراز کینه و دشمنی دارند و هم تکثیرکنندگان عداوت و تفرقه

میان مردم‌اند. کتاب‌هایی که برای اصلاح اخلاق و مبارزه با مفاسد نوشته شده، شاید به مراتب کمتر از کتاب‌هایی باشد که برای اثبات یا ابطال مذاهب دیگر نوشته شده است. ممکن است یکی دو نفر از مطالعه چنین کتاب‌هایی از مذهب خود به مذهب صاحب کتاب گرویده باشند، ولی در عوض آتش خشم، کینه و نفاق را بین هزاران نفر متدین ساده لوح دامن زده است... و خون‌های جمعی را به ناحق ریخته است (محسنی (ره)، ۱۳۹۴ ج: ۲۶). این افراط‌گرایان هم برای علم و تحقیق و هم برای دین و هم برای جهان اسلام بسیار خطرناک هستند، خصوصاً وقتی که از نادانی در استخدام دولت‌های خارجی قرار گیرند (محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۱۵۸). تکفیری‌ها واقعاً به امت اسلامی و جهان اسلام خیانت می‌کنند. به اندک اختلاف نظری میلیون‌ها مسلمان را تکفیر می‌کنند و چنانچه هر دسته، مخالفین نظر خود را تکفیر کند و مسلمانان به تکفیر هم‌دیگر مشغول شوند، چه بدبختی‌ای دامن‌گیر جهان اسلام می‌شود و به چه سرعت دشمنان اسلام بر همه مسلمانان مسلط می‌گردند و دین اسلام را از بین می‌برند (محسنی (ره)، ۱۳۸۷ ج: ۲: ۵۴؛ محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۱۵۵). افراط‌کاری این دسته، ضرر زیادی به جهان اسلام رسانیده و حتی عظمت دین اسلام را زیر سؤال برده است. اینان کارخانه تولید شرک درست کردند و مسلمانان بهتر و مؤمن‌تر و با تقوی‌تر از خود را جهل‌ایا عنادا و تعصبا، به کفر نسبت دادند و هر کس دیگری را به کفر نسبت دهد که مستحق آن نبوده کفر به خودش برمی‌گردد (محسنی (ره)، ۱۳۸۷ ج: ۲: ۱۵۴). اگر هر مذهب تنها از دیدگاه خود در امور مذاهب اسلامی دیگر قضاوت کند، جهان اسلام به چه بلای تفرقه‌انگیزی مبتلا خواهد شد؟ (محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

بی تفاوتی جامعه: از عوامل مهم که باعث انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی شده است، بی تفاوتی جامعه است. آیت‌الله محسنی (ره) این مطلب را به خوبی توضیح می‌دهد و می‌نویسد:

مسلمانان غیور و خصوصاً دانشمندان دینی غالباً در مقابل معاصی کوچک و مظالم فردی و جزئی بسیار حساس و سخت‌گیرند، ولی در مقابل معاصی بزرگ و مظالم عمده و عمومی بسیار سهل‌انگار و متسامح هستند. همین امر عجیب، جهان اسلام را به بدبختی‌های بزرگی مبتلا ساخته است. گاهی در مقابل ریش تراشی و استماع موسیقی و

امثال این محرمات شدیداً غضب می‌کنیم، ولی در مقابل حکومت‌های جابر و قلدرو ضد اسلامی کشورهای اسلامی بسیار خون سرد و بردبار می‌مانیم. حکومت‌های ظالم احکام دین را نسخ و قوانین وضعی را به جای شریعت آسمانی بر مسلمانان تطبیق می‌کنند (محسنی‌ره)، بی‌تا: ۲۹۱).

ایشان علت این را که دولت‌های غربی بدون آرای ملل خود کاری نمی‌توانند، در همین ویژگی بی‌تفاوت نبودن جامعه غربی می‌داند و می‌نویسد:

راستی چرا دولت‌های غربی در جهان آزاد، نمی‌توانند مخالف عقاید و آرای ملل خود کاری را انجام دهند؟ و چرا با اندک کج‌رفتاری نسبت به احساسات عمومی مجبور به استعفا و کناره‌گیری می‌شوند، ولی در کشورهای اسلامی، دولت‌ها می‌توانند هر کاری را بی‌ترس و هراس انجام دهند و هیچ مانع و رادعی را مقابل خود نمی‌بینند؟! در اموال عمومی خیانت می‌کنند، حیف و میلشان به حد رسوایی می‌رسد، ظلم و جنایتشان بیداد می‌کند، آزادی را صدها فرسنگ طرد می‌نمایند، در قراردادهای اقتصادی و سیاسی، استقلال کشور را تضعیف می‌کنند، منابع ملی را برباد می‌دهند، بدتر از همه به طور آشکار با دین اسلام که در عمق جان مردم قرار دارد بدون ضرورت به دشمنی برمی‌خیزند و دستورات او را تمسخر می‌کنند، مخلصین متعهد را زندانی می‌کنند و مردم مسلمان ناراحت می‌شوند به خود می‌پیچند، ولی مانند افلیج‌زدگان هیچ حرکتی نمی‌کنند. بلکه مانند مردگان حتی اعتراض هم نمی‌کنند! آیا سراین تفاوت در این نیست که مردم اروپا و آمریکا بیدارند و حکومت‌ها را تا حدودی زیادی تابع قانون رسمی ساخته‌اند و از آزادی خود دفاع می‌کنند و به زمامداران اجازه تخطی از قانون موضوعی خود را نمی‌دهند؟ ولی ما مسلمان‌ها در مقابل حکومت‌ها تملق و مداحی می‌کنیم و جرئت مخالفت با استبداد نداریم. منشأ همه این نواقص ضعف آگاهی، جهالت و غفلت ما است (محسنی‌ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۱۸-۱۹).

حاکم شدن روابط به جای ضوابط: در این زمینه ایشان می‌نویسد:

فرق بین کشورهای پسمانده و پیشرفته موضوع روابط و ضوابط است، وقتی ضوابط حکم فرما گردد کشور متری است و می‌شود به آینده آن امیدوار بود و در صورتی که روابط فامیلی و قومی و صنفی و امثال آن نافذ باشد و قانون پایمال گردد و حتی گاهی وضع قانون

تابع روابط و فرمان‌های فردی و مصلحت‌بینی شود دیار به سوی تنزل و انحطاط رو به سرعت می‌گذارد و اصلاحات فرعی و مقطعی دردی را دوا نخواهد کرد و باید آماده اسارت، فقر، جهل، ستم و بدبختی بود و غلامی دیگران، که سرنوشت ما مسلمانان در اعصار چنین بوده و فعلاً نیز چنین است (محسنی (ره)، ۱۳۷۲: ۱۳۴). در این مورد علمای دین مسئولیت بیشتر دارند؛ آن‌ها وظیفه دارند که مردم را از مسائل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی آگاه سازند؛ آنان باید مردم را موعظه کنند؛ وظیفه علماء است که به مردم بگویند نسبت به سرنوشت خود و سرنوشت کشورشان بی‌تفاوت نباشند، یا حداقل یک عکس‌العمل ضعیف در برابر قانون‌شکنان از خود نشان بدهند. علت اصلی پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی شرق نیز همین موضوع است. در غرب حکومت‌ها از ملت‌ها می‌ترسند. ملت‌ها وقتی از حکومت خلاف می‌بینند، بدون ترس از آن‌ها اعتراض می‌کنند؛ اما در شرق ملت‌ها از حکومت‌ها می‌ترسند. در غرب ملت‌ها بیدار هستند و حکومت‌ها برای بقای خود مجبورند که به قانون اساسی کشورشان عمل کنند، ولی در شرق ملت‌ها در خواب غفلت به سر می‌برند. همین خواب‌رفتگی و غفلت باعث شده که حکومت‌ها نیز قلدری کنند و بدون هراس پای خود را روی قانون بگذارند. این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، تا خود مردم بیدار نشوند کسی دیگر سرنوشت آن‌ها را تغییر نمی‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یا به قول شاعر که می‌گوید: تا ستم‌کش زیر بار غارت و یغما نرفت کار دزدان ستمگر غارت و یغما نشد (محسنی (ره)، ۱۳۹۴: ۳۴۴).

فاصله گرفتن از فرهنگ دینی: یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط جوامع اسلامی، به اعتقاد آیت‌الله محسنی (ره) فاصله گرفتن ملت‌های مسلمان از فرهنگ دین اسلام است. ایشان می‌نویسد:

امروز در حدود یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان در جهان وجود دارد؛ ولی از فهم کامل فرهنگ دینی فاصله زیاد دارند و به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند و لذا ما مسلمانان از تمدن دور مانده‌ایم. دولت‌ها هیچ نقشی در اصلاح حال ملت‌های مسلمان ندارند؛ بلکه بسیاری از دولت‌های ما، مانع از ترویج اسلام می‌شوند، خود دولت‌ها فاسد و مروج فسق و فجور در جامعه هستند. هرچند بی‌توجهی حکومت‌ها و عمل نکردن مردم به

دستورات قرآن، به اسلام ضرر نمی‌رساند و از نواقص اسلام نیز حساب نمی‌شود؛ اما برای خود مسلمانان عیب بزرگی است؛ زیرا با توجه به فرهنگ غنی اسلام باید تاکنون وضعیت جامعه اسلامی کاملاً متحول می‌شد. علت اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان دوری از فرهنگ اسلامی است. فرهنگ اسلام برای آنان درست تبیین نشده است. علمای بزرگ دینی در این مورد مسئول هستند (محسنی (ره)، ۱۳۹۵: ۲۴).

عالمان و اندیشمندان درباری: عالمان و مصلحان اسلامی نقش بسیار مهمی در اصلاح جامعه دارند. از سویی به همان میزان عالمان درباری و غیرصالح، در به انحطاط کشاندن و عقب‌ماندگی جامعه نقش دارند. آیت‌الله محسنی (ره) در این زمینه می‌نویسد:

مسئول این اوضاع اسفناک و خجالت‌آور کیست؟ لابد می‌گویید دانشمندان دینی، روشنفکران دلسوز و اندیشمندان هوشمند مؤمن، بلی درست می‌گویید. در یک روایت مرفوعه از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله»؛ وقتی که بدعت‌ها در زندگانی امت من پدیدار شد، دانشمند باید (برای نابودی آن‌ها و اصلاح حال امت) علم خود را آشکار کند. کسی که به مردم آگاهی ندهد، با فساد مبارزه نکند و بی‌تفاوت بماند (و تنها به او را و اذکار اکتفا کند و نماز دادن به جماعت را کافی بداند)، لعنت خداوند بر او باد. اگرینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیند گناه است (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۱۹؛ محسنی (ره)، ۱۳۷۵: ۴۱).

فراموشی جهاد: فریضه جهاد نیز مانند عالمان دینی نقشی بسیار ارزشمند در تغییر سرنوشت جوامع اسلامی دارد. زمانی که مسلمانان این فریضه الهی را ترک کردند یا کم‌ارزش جلوه دادند، انحطاط و عقب‌ماندگی آنان نیز آغاز شد. آیت‌الله محسنی (ره) به عنوان شخصیتی که عمری را در جهاد علمی، فکری و علیه دشمنان گذرانده است، در اهمیت این فریضه می‌نویسد:

آیا قابل‌انکار و حتی تردید است که تمام بدبختی‌های موجود در جهان اسلام معلول بی‌غیرتی و راحت‌طلبی و سست‌عنصری مسلمانان و دور شدن آنان از جهاد اسلامی است؟ تا زمانی که متفکران (خصوصاً علمای دینی) ما توجیه‌گرو منزوی و عزلت‌جو باشند، جامعه اسلامی هیچ‌گاه به کمال معنوی و رفاه مادی خود نخواهد رسید و همیشه خرافات، انحرافات، معاصی فسوق ما را در احاطه خواهد داشت. فقر، جهالت، ظلم،

استبداد، استثمار و استعمار بر ما حاکم خواهد بود (و لاحول و لا قوة الا بالله). بلی، إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوهُمَا بِأَنفُسِهِمْ (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۵۵).

لازم به ذکر است که عواملی مانند تعطیلی جهاد (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۱۲۰)، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، دوری از علم و صنعت (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۹۶، ۳: ۹۰) نیز در انحطاط و عقب‌ماندگی اسلامی از منظر آیت‌الله محسنی (ره) نقش داشته است.

۲-۲-۲. عوامل بیرونی

آیت‌الله محسنی (ره) در تحلیل عالمانه و منصفانه، مشکل اصلی جهان اسلام را مشکلات درونی می‌داند. به عبارت دیگر علت اساسی انحطاط را عوامل درونی تلقی می‌کند، ولی عوامل خارجی نیز در انحطاط جهان اسلام سهم کلانی داشته است. ایشان می‌نویسد:

وضع امروزی جهان اسلام چنین است،... عامل خارجی آن نقشه شوم دشمنان اسلام و عامل داخلی آن هوس‌ها و خودخواهی‌های جمعی از ریاست‌طلبان فاسق و عامل نهایی، غفلت و نادانی مسلمان‌ها است. امریکا ایالات متحده دارد، روس‌ها جماهیر شوروی دارند، چینی‌ها کشور یک میلیاردی یا بیشتر از آن دارند، هم چین هندوها، ولی مسلمان‌ها کشورهای کوچک چند صد هزار نفری دارند. به رغم سفارش‌های اسلام بر وحدت و یگانگی، ما امروزه به تفرقه و تجزیه شرم‌آوری گرفتاریم (محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۳۶). [خارجی‌ها هم] دامن می‌زنند و نمی‌گذارند جهان اسلام یکی شود و اتحاد داشته باشد. انگلیسی‌ها در این کار استادند و تجربه هم دارند (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

آیت‌الله محسنی (ره) سیاست غرب را دامن زدن به مشکلات جهان اسلام می‌داند و می‌نویسد: غرب با دامن زدن به مسئله بنیادگرایی و اصول‌گرایی و نسبت دادن آن به مسلمانان، وانمود می‌کند که یک برداشت افراطی از اسلام موجب شده تا بین مسلمانان و دیگران چالشی عظیم ایجاد شود که منشأ مشکلات فراوان دیگر است». (محسنی (ره)، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۳۸-۲۳۹) ایشان سیاست دیگر استعمار در انحطاط جهان اسلام را تجزیه جهان اسلام می‌داند و می‌نویسد:

تجزیه باعث بدبختی مسلمین و نفوذ بیشتر آمریکا و روس است... آمریکا نصف قاره را یک دولت ساخته، روس‌ها نیز چندین کشور را به زور سرنیزه به نام اتحاد جماهیر شوروی

اعلان نموده‌اند وقتی به مسلمانان می‌رسند، ده‌ها کشور و دولت به وجود می‌آورند. هرجایی را به نامی مستقل اعلام می‌دارند و بدین ترتیب پیکر جهان اسلام را از هم متلاشی می‌سازند، تا قدرت دفاع از خود را نداشته باشند و سرمایه‌های آن‌ها به جاهای غیرمفید مصرف شود» (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۱: ۲۲۰؛ محسنی (ره)، ۱۳۹۱: ۴۳۹).

غرب سیاست تفرقه و ایجاد تشتت بین مسلمانان را با تبلیغات تفرقه‌افکنی آغاز کرد و با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغی و عوامل نفوذی خود، دست به عملیات روانی و تفرقه‌افکنانه بین مسلمانان زد. غرب تلاش کرد، مسلمانان را که دارای یک فرهنگ قوی و اصیل بودند، از هم جدا کند. سپس با تبلیغات روانی، شست‌وشوی مغزی دهد تا هویت اصیل اسلامی خود را از دست داده و هویت‌ها و شناسه‌های محدودتر منطقه‌ای، قومی، فرقه‌ای و نژادی را بپذیرد؛ زیرا وحدت مسلمانان، موجودیت فکرو فرهنگی غرب را با مخاطره جدی روبه‌رو می‌ساخت. این یکی از عوامل مهمی بود که باعث شد قدرت جهان اسلام کاهش یافته و آسیب‌پذیر شود و سرانجام مسلمانان به گروه‌های مختلف نژادی و فرقه‌ای تبدیل شوند. از این‌رو غرب به فریه کردن مفاهیمی چون ناسیونالیسم عربی، پان‌عربیسم، پان‌ایرانیسم، پان‌ترکیسم دست زد و گروه‌های اسلامی را به گروه‌های بنیادگرا، افراط‌گرا، اصول‌گرا و... تقسیم کرد (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۲۱).

۲-۳. امت واحده اسلامی؛ تصویر بازسازی شده جامعه

در این مرحله نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی می‌پردازد. آرمان شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به زیور علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه پرداز برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد، هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز هست (ر.ک. اسپرینگز، ۱۴۷). بدین ترتیب، پژوهنده باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خویش تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد. با این تعبیر، نظریات سیاسی، تصویرهای نمادین از جامعه بعد از بازسازی شدن ارائه می‌دهد. نظریه پرداز در این مرحله به این سؤال پاسخ می‌گوید که اگر این اوضاع خراب است پس اوضاع درست کدام است؟

تصویر بازسازی شده جامعه و جامعه آرمانی در جهان اسلام در این تحقیق امت واحده

اسلامی است که از رهگذر وحدت اسلامی می‌گذرد. آیت‌الله محسنی(ره) در این زمینه معتقد است:

دعوت مسلمانان به اتحاد، پرهیز از تفرقه، فراخوانی مسلمین برای ایجاد امت واحده، اعلام برادری و برابری میان مسلمانان، تعیین امتیاز تقوا بر فراز همه روابط قومی و زبانی و شریک دانستن مسلمانان در مسائل و مشکلات یکدیگر، اهمیت شور و مشورت در تصمیمات، ضرورت کمک به مسلمانان به ویژه در برابر خطر خارجی و جهاد اسلامی در راه اعتلای ارزش‌های دینی، اشاره مکرر به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و غیره. ریشه موارد یادشده در قرآن مجید و سنت شریف و تاریخ اسلام و بزرگان مسلمانان مندرج است؛ مانند آیات کریمه‌ای که دلالت بر همکاری و اعتصام به حبل‌الله و برادری مؤمنان و اینکه این امت، امت یگانه‌ای است، و اینکه تفرق و اختلاف نکنید و اینکه کشمکش موجب سستی و نابودی قوت می‌شود و آیاتی که دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر می‌کند (محسنی(ره)، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۹۸). عجب است که قرآن مجید از اخوت و برادری مؤمنین صحبت می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات ۱۰) و ما هنوز درباره هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گیر مانده‌ایم؟ (محسنی(ره)، ۱۳۷۵: ۴۴).

مفهوم «امت» مفهومی عقیدتی است و به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع کرده باشد. بسیاری از متفکران اسلامی، همگرایی و وحدت اسلامی را زمینه‌ساز جامعه مطلوب در نظر می‌گیرند. مفهوم وحدت و همگرایی و نیز دعوت به آن در جهان اسلام همواره به عنوان موضوعی ایدئال برای مصلحان، روشنفکران و اندیشمندان اسلامی برای رسیدن به امت واحده اسلامی، مطرح بوده است. از این رو مفهوم امت اسلامی به مثابه جامعه آرمانی و مطلوب، چنانکه لمبتون باور دارد، در قلب اندیشه و آموزه سیاسی اسلام جای دارد که صرفاً رشته‌های ایمانی آنان را پیوند می‌زنند. مرزهای دیگر از دیدگاه اسلام اعتبار نداشته و نهادهای داخلی امت هم بر اساس ایمان دینی مشترک استوار است. مفهوم امت در نظام اسلامی جنبه ماوراء ملی دارد و دارای ویژگی‌های خاصی مانند یگانگی،^۱ میانه‌روی،^۲ برادری،^۳ ممتازی^۱ و...

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

۲. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا». سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۳. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». سوره حجرات، آیه ۱۰.

است. از نظر اسلام «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است (ر.ک. جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

۴-۲. همگرایی به مثابه راه برون‌رفت از انحطاط

مرحله چهارم بحران اسپریگنز، یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی و اقدام^۲ است که راهبردها و اقدامات لازم را برای هدایت موضوع به سمت درمان و ارائه راهکار ارائه می‌نماید. در گام آخر، نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد. به طور خلاصه، باید اذعان کرد که دانشی که نظریه‌پردازان ارائه می‌کنند، تمایلات درمانی نیز دارد و ثمره بینش روشن‌گرانه، عقل عملی و یا به قول اسپریگنز، نوعی علم نجات است (ر.ک. اسپریگنز، ۲۳۵).

آیت‌الله محسنی (ره) معتقد است: «اتحاد مسلمانان جهان از یک طرف از ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین پایه‌های تکامل و ترقی و استقلال و عزت دین و دنیای مسلمانان است، ولی از طرف دیگر از سخت‌ترین، مشکل‌ترین، پیچیده‌ترین و پرمشقت‌ترین کارها» (محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۲۰۵). ایشان رسیدن به همگرایی را از طریق رفتار مسلمانان قابل حصول می‌داند. از این رو راهکارهای ایشان بیشتر جنبه رفتاری و عملی دارد تا نظری و اندیشه‌ای (ر.ک. کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۷-۱۰۰). آیت‌الله محسنی (ره) در این زمینه در پاسخ به این سؤال که چرا تقریب تاکنون پیشرفت چشم‌گیری نداشته است؟ می‌فرماید:

به نظر من سبب آن، تقصیر اکثر اصحاب تقریب است که به آمدن در کنفرانس‌ها و مجرد صحبت کردن و شنیدن سخنرانی‌ها بسنده می‌کنند، ولی در کشورهای خویش هیچ فعالیتی فکری و عملی‌ای در این راستا ندارند و محافظه‌کاری می‌کنند. ما اگر اعتقاد محکمی به تقریب، به منظور تقویت موقف اسلامی در جهان داشته باشیم، حتماً خداوند متعال بیشتر از حال فعلی به ما توفیق خدمت مرحمت می‌فرماید (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

در ادامه به مهم‌ترین راه‌های رسیدن به همگرایی که هم راهکاری مناسب برون‌رفت جوامع اسلامی از بحران انحطاط نیز به شمار می‌رود و هم زمینه‌ساز شکل‌گیری امت واحده اسلامی است، از دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره) پرداخته می‌شود:

۱ کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱-۴-۲. احترام به مذاهب و پرهیز از تحریک احساسات

بهترین زمینه اتحاد مسلمانان احترام پیروان مذاهب به عقاید همدیگر و اجتناب از تحریک احساسات همدیگر است. هیچ‌گاه شیعه به فتوای امام ابوحنیفه عمل نخواهد کرد و سنیان نیز به نظر امام صادق علیه السلام عمل نمی‌کنند، ولی احترام امام صادق علیه السلام و ابوحنیفه به عنوان پیشوای میلیون‌ها مسلمان باید مسلم باشد (همان، ۴۸؛ محسنی (ره)، ۱۳۹۴ ج: ۲۷؛ محسنی (ره)، ۱۳۸۲: ۲۱).

۲-۴-۲. توجه به مشترکات اسلامی

امروزه یکی از اساسی‌ترین روش‌ها در جهت بالا بردن ارتباط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، یافتن مشترکات بین کشورها است. مسلمانان دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، دین، منابع و منافع، دشمن و... هستند. از این رو علایق و پایبندی به این مشترکات موجب افزایش میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌شود (ر.ک. کاظمی، ۱۳۹۶). آیت‌الله محسنی (ره) در زمینه مشترکات اسلامی می‌فرماید: بیایید قطعیات را بگیریم و بحث درباره مشکوکات را رها کنیم. اصول کلی تمام مسلمانان یکی است. به زور مسلمانان را از هم جدا نکنیم. به همان اصول مشترک اسلامی توحید، نبوت و معاد اکتفا و در همین مشترکات همکاری کنیم (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۰۴). پس معنای وحدت اسلامی در بعد نظری همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند (همان: ۶۲). مشترکات شیعه و اهل سنت بسیار فراوان و نسبت اختلافات آنان بسیار ناچیز است. خدای واحد، پیامبر مشترک، قرآن واحد، اعتقاد به نبوت انبیای سلف و روز قیامت و... (محسنی (ره)، ۱۳۸۷، ج: ۲: ۹۱).

آیت‌الله محسنی (ره) نقاط اشتراکی بین شیعه و سنی را در مورد اصول عقاید ۴۰ مورد، در فروع دین ۱۹ مورد و موارد اختلاف را ۹ مورد می‌شمارد. راه حل اختلافات را نیز بازگشایی نموده و معتقد است که این اختلاف‌ها صد درصد قابل حل و فصل هستند (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۲). ایشان در این زمینه جمله مهم و جالبی دارد که می‌فرماید: اگر معنای تسنن و سنی‌گری، متابعت سنت پیغمبر باشد که تمام شیعه سنی هستند و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد کافر است! و اگر معنای تشیع، محبت ائمه

عترت و پیروی آن‌ها باشد، باید تمام سنی‌ها شیعه باشند؛ زیرا محبت علی علیه السلام و اولاد آن حضرت بر همه لازم است، جمعی از علمای اهل سنت بر وجوب آن ادعای اجماع کردند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه [است] (محسنی (ره)، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

۳-۴-۲. مبارزه با تعصب‌های بی‌جا و جدا ساختن افراط‌گرایان از جامعه اسلامی

آیت‌الله محسنی (ره) این مانع مهم همگرایی را تذکر داده و مسلمانان را از افتادن در این دام خطرناک بر حذر می‌دارد. ایشان می‌فرماید:

راه حل اساسی و اصولی در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت‌های قومی و نژادی، گرد آمدن بر محور مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به جای اصالت دادن به فرع است (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲). تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم‌سواد که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ‌های داخلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند (همان: ۱۰۳، ۶۸، ۳۷).

از دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره) حجم زیاد از واگرایی و تفرقه توسط افراط‌گرایان مانند غالیان و نواصب انجام می‌گیرد و آنان از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می‌آیند. با جدا ساختن آنان از دامن جامعه اسلامی، مسیر همگرایی و تقریب هموار می‌شود. ایشان معتقد است:

عوامل تفرقه و نفاق بسترسازان نفوذ و ورود عوامل خارجی و قدرت‌های سلطه‌گرو استعماری و آتش‌افروزان جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی، بیشتر گروه‌های افراطی، تندروان غالی و نواصب هر دو طرف هستند. بنابراین تکلیف و وظیفه مسلمانان خود به خود مشخص خواهد بود و آن عبارت است از برائت شیعه از غلات و برائت اهل سنت از نواصب و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارد (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۰۱). از این رو، مبارزه با ناسیونالیسم، ملی‌گرایی، نژادپرستی، وطن‌گرایی، قوم‌گرایی و تثبیت انترناسیونالیزم اسلامی از ضروریات همگرایی و رسیدن به چشم‌انداز [مشترک] است (محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۲۰۴-۲۰۵؛ ۱۳۷۲: ۶۶).

۴-۲. توجه به دشمن مشترک و قطع مداخلات آنان

این یک واقعیت غیرقابل انکار است که قدرت‌های استکباری از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می‌آیند. آنان نمی‌خواهند مسلمانان به اتحاد و همگرایی برسند؛ زیرا در آن صورت جلو بسیاری از مداخلات آنان گرفته شده و منافعشان تأمین نمی‌شود. آیت‌الله محسنی (ره) در آثار و سخنرانی‌های خویش این مهم را بارها تذکر داده است. ایشان در این باره معتقد است:

مداخله کشورهای بزرگ به منظور استعمار، استثمار و تضعیف صف داخلی ملت‌ها و استفاده از اختلافات مذهبی، بهترین راه تجربه شده است. حتی خود حکومت‌های اسلامی نیز گاهی برای تحکیم قدرت خود از همین روش استفاده می‌کنند و مذهب را در استخدام سیاست قرار می‌دهند. اسفبارترین است که جهالت و مداخله قدرت‌ها تنها به بیان اختلاف اکتفا ننموده، بلکه تا حد ممکن از دروغ و اتهام و افترا خودداری نمی‌کنند و مسلمانان را به جان هم می‌اندازند (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۳۸). مسلمان‌ها اگر بخواهند از این بدبختی و ذلت خود را نجات دهند، باید قدم‌هایی بردارند که قدم اول اتحاد ملت‌ها و تقویت جبهه داخلی‌شان است (محسنی (ره)، ۱۳۷۳: ۱۶۸).

آیت‌الله محسنی (ره) بارها خطر دشمنان همگرایی و تقریب را گوشزد نموده است. برای نمونه درباره وهابیت که دشمن اصلی تقریب است، می‌فرماید:

امروز وهابیت با صدها میلیون دلار، به اشکال مختلف تقویت می‌شود. یک نمونه‌اش را شما در عراق می‌بینید که چقدر شیعه کشته می‌شود. وهابیت دشمن شیعه است، ولی فقط دشمن شیعه نیست. اگر نوبت به مذاهب دیگر برسد، نه حنفی‌ها را باقی می‌گذارند و نه شافعی‌ها را و نه مالکی و نه غیر آنان را، [بلکه] همه را می‌کوبند (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۶۲، ۲۰، ۱۰۴).

ایشان خطر دشمن مشترک را مکرر گوشزد نموده است (ر.ک. همان، ۶۲، ۱۰۴ و ...). و از چند جهت همگرایی را ضروری می‌داند:

اول اینکه اسلام پیروان خود را از نزاع و درگیری منع داشته و تفرقه و عداوت در اسلام ممنوع است؛ دوم اینکه واگرایی و نزاع بین مسلمانان سبب تقویت جبهه کفار و دشمنان اسلام می‌گردد و همه می‌دانیم که تضعیف اسلام عزیز حرام است و خیانت به قرآن و

اسلام محسوب می‌گردد؛ و سوم اینکه نزاع و تفرقه مانع پیشرفت اسلام می‌گردد (ر.ک. محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۱۵۹). امروز کشورهای اسلامی اگر با هم علیه استعمار و استکبار جهانی مبارزه نمایند، مسلماً جهان اسلام دچار تحول مطلوبی خواهد شد. دشمنان ما هم متوجه این جهت هستند و به انواع مختلف صف واحد ما را از هم دریده‌اند و ما را از هم دور کرده‌اند. بدتر اینکه در یک کشور صفوف و خطوط متعددی بر مسلمانان حکومت می‌کند (محسنی (ره)، ۱۴۱۱، ۲: ۸۷).

نتیجه‌گیری

در این مقاله بحران انحطاط جامعه اسلامی و همگرایی به مثابه راهکار برون‌رفت از آن بحران، از منظر مرحوم آیت‌الله محسنی (ره) با روش جستاری اسپریگنز بررسی شد. براساس روش جستاری اسپریگنز، آینده وحدت اسلامی مستلزم آن است که مسلمانان باید وضعیت موجود را ابتدا فهم نموده و سپس علل آن را شناسایی و با ارائه برنامه راهبردی و درمانی از وضعیت بحرانی کنونی عبور کنند. با توجه به مدل مفهومی ارائه شده وضعیت کنونی امت و جهان اسلام، جهت‌گیری زیادی به سمت همگرایی ندارد و جامعه اسلامی از وضعیت انحطاط رنج می‌برد. با توجه به عوامل انحطاط اسلامی و راهکار آیت‌الله محسنی (ره)، مسلمانان می‌توانند از درک وضع موجود آغاز و بعد از بررسی علل و عوامل انحطاط اسلامی به سمت جامعه آرمانی یعنی وحدت امت اسلامی از مسیر همگرایی حرکت کنند.

بامطالعه و بررسی آرا و اندیشه‌های آیت‌الله محسنی (ره) وضع کنونی جهان اسلام، جهت‌گیری زیادی به سمت همگرایی ندارد. ایشان وحدت و انسجام اسلامی را ضروری‌ترین نیاز عصر حاضر می‌داند و معتقد است که امروزه دشمنان از همه جوانب به جهان اسلام هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و اختراع اختلافات نوین است. پس باید راه چاره‌ای جست. در مرحله دوم روش جستاری اسپریگنز، وقتی علل و عوامل انحطاط جامعه اسلامی را مطالعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که استعمار، استبداد، زمامداران ناهل، تن‌پروری مسلمانان، تعصب، افراط‌گرایی و گروه‌های تکفیری، بی‌تفاوتی جامعه، حاکم شدن روابط به جای ضوابط، فاصله گرفتن از فرهنگ

دینی، عالمان و اندیشمندان درباری، فراموشی فریضه جهاد، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، تعطیلی اجتهاد و دوری از علم و صنعت از علل و عوامل نابسامانی و انحطاط جوامع اسلامی هستند.

از منظر آیت‌الله محسنی(ره) راه برون‌رفت از وضع موجود و رسیدن به نقطه آرمانی با همگرایی میسر است و در این زمینه به رفتار تقریبی مانند احترام به مذاهب و پرهیز از تحریک احساسات، توجه به مشترکات اسلامی، مبارزه با تعصب‌های بی‌جا و جدا ساختن افراط‌گرایان از بدنه جامعه اسلامی، توجه به دشمن مشترک و قطع مداخلات آنان نیازمندیم. تنها با این نوع عملکرد می‌توانیم فرهنگ همگرایی را در جوامع اسلامی پیاده و اجرایی کنیم.

منابع

قرآن کریم.

۱. اسپریگنز، توماس، (۱۳۷۰)، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگاه.
۲. آقا بخشی و دیگران، (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
۳. تسخیری، محمد علی، (۱۳۸۳)، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع تقریب.
۴. جوان آراسته، حسین، (۱۳۷۹) «امت و ملت، نگاهی دوباره»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶.
۵. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، (۱۳۸۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
۶. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. کاظمی، سید آصف، (۱۳۹۹)، تحلیلی بر چشم انداز گفتمان تقریب از دیدگاه آیت الله محسنی (ره) دز یادنامه آیت نیک، بخش تحقیقات مدرسه خدیجه الکبری، کابل.
۸. -----، (۱۳۹۶)، تحلیلی بر چشم انداز همگرایی اسلامی، پژوهشنامه علوم انسانی اسلامی، ش ۷.
۹. کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۷۷)، نظریه همگرایی در روابط بین المللی «تجربه جهان سوم»، تهران: پیک ایران.
۱۰. محسنی (ره)، محمد آصف، (۱۳۷۲)، نظریات سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، بی جا: حرکت اسلامی.
۱۱. -----، (۱۳۷۱)، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، بی جا: حرکت اسلامی.
۱۲. -----، (۱۳۸۶)، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، قم: نشر ادیان.
۱۳. -----، (۱۳۸۷ الف)، حدود الشریعه فی محرماتها و واجباتها، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. -----، (۱۳۸۲)، شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در تاریکی)، کابل: مرکز الابحاث العقائدیة.
۱۵. -----، (۱۳۸۵)، فواید دین در زندگانی، کابل: مطبوعه بلخ.
۱۶. -----، (۱۳۷۵)، مسائل کابل: انتشارات واقفی.
۱۷. -----، (۱۳۹۶)، افق اعلی، کابل: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی (ره) (مدظله العالی).

۱۸. -----، (۱۳۹۴)، انوار هدایت، کابل: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی (ره) (مدظله العالی).
۱۹. -----، (۱۴۱۱ق.)، جهاد اسلامی در عصر حاضر، لاهور: کمیته فرهنگی حرکت اسلامی افغانستان.
۲۰. -----، (۱۳۸۷ب)، جهانی شدن و جهانی سازی، بی جا: بی نا،
۲۱. -----، (۱۴۰۲ق.)، خود را بسازیم، قم: بی نا،
۲۲. -----، (۱۳۹۱)، دفاع مشروع ما، کابل: انجمن فرهنگ اسلامی.
۲۳. -----، (بی تا)، روش جدید اخلاق اسلامی، کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۲۴. -----، (۱۴۳۴ق.)، عاشورا و اهمیت دین، کابل: رسالات.
۲۵. -----، (۱۳۹۴ج)، عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ، قم: بوستان کتاب.
۲۶. -----، (۱۳۷۴)، گوناگون، قصه های کوتاه و آموزنده، قم: مؤلف.
۲۷. -----، (۱۳۸۷ج)، مباحث علمی دینی، کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۲۸. -----، (۱۳۷۳)، متافیزیک از نظر رئالیزم، ولایت، بی جا.
۲۹. -----، (۱۳۸۳)، مسائل لندن، کابل: بی نا.
۳۰. -----، (۱۳۹۵)، معارف اسلامی (مهدی موعود و فضایل رمضان و شب های قدر)، کابل: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی (ره) (مدظله العالی).
۳۱. -----، (۱۳۹۱)، یادداشت های تاریخی برداشت های تحلیلی، کابل: بی نا.
۳۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.
۳۳. معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، تهران: راه رشد.
۳۴. مؤمنی، مصطفی، (۱۳۸۹)، جهان اسلام، تهران: کتاب مرجع.